

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال یازدهم، شمارهٔ چهل و چهارم، زمستان ۱۳۹۸

واکاوی تطبیقی جایگاه قناعت در مثنوی معنوی مولوی و بوستان سعدی با تأملی در دیدگاه مکتب معنادرمانی و ارائه الگویی از آن

دکتر حسنعلی بختیاری نصرآبادی* - حسین دولتدوست** - دکتر محمدحسین
حیدری*** - دکتر محسن محمدی فشارکی****

چکیده

پرسش از معنای زندگی، از مهم‌ترین سؤالات انسان است. ویکتور فرانکل در مکتب خویش که «معنادرمانی» نامیده می‌شود، کوشیده است به این پرسش اساسی پاسخ دهد. وی بر آن است به فرد بیاموزد که معنای زندگی خویش را دریابد و از رخوت و خلأ وجودی بیرون آمده و سرچشمه‌های زلال زندگی را ادراک کند. فضایل اخلاقی یکی از سرچشمه‌های زلال زندگی و از ارکان اساسی سعادت بشر و مایهٔ تعالی و تکامل مادی و معنوی است. بزرگان ادب فارسی، غالب شاهکارهای خود را با بهره‌گیری از فرهنگ اسلامی و آموزه‌های قرآنی خلق کرده و کوشیده‌اند تا مخاطب را به سمت فضایل اخلاقی در پرتو معنابخشی به زندگی رهنمون سازند. قناعت از جمله فضایل اخلاقی مهمی است

h.nasrabadi@edu.ui.ac.ir

* استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان

doolat586@gmail.com

** دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

edu.ui.ac.ir@mh.heidari

*** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان

m.mohammadi@ltr.ui.ac.ir

**** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۴

تاریخ وصول: ۹۸/۴/۹

که شاعران هر کدام به شیوه‌ای بدان اشاره کرده‌اند. مولوی و سعدی از جمله شاعرانی هستند که به گواهی آثارشان، نظرگاهی دینی و تربیتی دارند و از همین روی است که آشنایی با آیات و روایات و تسلط بر آموزه‌های دینی را در آثارشان قابل ستایش می‌بینم. سعدی در بوستان، فقط به توصیف افراد قناعت‌پیشه اکتفا نکرده است، بلکه ضمن ارائه بابتی با عنوان قناعت، نمونه‌ای از حکایات و تمثیل را برای روشنگری خوانندگان و تأثیر کلام و بیان نصایح ذکر می‌کند. مولوی نیز در مثنوی معنوی، ضمن ستودن قناعت به مذمت حرص و طمع می‌پردازد و می‌کوشد تا با از بین بردن رذایل، زمینه کسب فضایل را برای مخاطب فراهم سازد. در این راستا، مکتب معنادرمانی به مؤلفه‌هایی چون رنج، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی، محور کوشش و پاداش، وسعت نظر برای معنایابی، انسان‌ساز بودن و پاسخی به معنای زندگی و شناخت خداوند اشاره دارد. تطبیق مؤلفه‌های حاکم بر جایگاه قناعت در متون یادشده و مؤلفه‌های مستخرج از مکتب معنادرمانی، منتج به شکل‌گیری الگویی تربیتی گردید.

واژه‌های کلیدی

بوستان، مثنوی معنوی، قناعت، ادبیات تعلیمی، معنادرمانی.

۱. مقدمه

ویکتور فرانکل^۱ (۱۹۰۵-۱۹۹۷) بنیان‌گذار مکتب معنادرمانی^۲، تلاش‌های زیادی در ارتباط با معنادار بودن زندگی کرده است. در نظام فکری فرانکل تنها یک انگیزش بنیادی وجود دارد: «اراده معطوف به معنا و آن، چنان نیرومند است که می‌تواند همه انگیزش‌های دیگر انسان را تحت الشعاع قرار دهد. این اراده برای سلامت روان، حیاتی و برای کمترین اندازه بقا ضروری است؛ زیرا در زندگی بی‌معنا، دلیلی برای زیستن نیست» (شولتز، ۱۳۸۸: ۱۵۴). وی در پاسخ به این پرسش که «معنا چیست» می‌گوید: «منظورم این است که زندگی پایدار نمی‌ماند مگر اینکه همان طور که فروید معتقد است، معنا یا آرمانی استوار برای چنگ انداختن به آن داشته باشیم، یا آن گونه که انیشتین می‌گوید

انسانی که زندگی‌اش را بی معنی می‌پندارد، نه فقط غمگین است، بلکه زیستن هم برایش دشوار می‌گردد» (فرانکل، ۱۳۹۰: ۶۲).

از نظر وی «تلاش برای یافتن معنا در زندگی نیروی اصیل و بنیادی است و تنها انسان قادر است که این معنا را تحقق بخشد. او تأکید می‌کند که انسان حتی قادر است که به خاطر ایده‌ها و ارزش‌هایش، جان‌ش را نیز فدا کند» (همان، ۱۳۸۹: ۱۴۵). به اعتقاد وی، اگر انسان بتواند این معنی را کشف کند و به ورای آن راه یابد، به جای نالیدن و اعتراض به مشکلات، به گونه‌ای منطقی به آن‌ها فکر می‌کند. علاوه بر این، رنج‌ها و کمبودها را با آغوش باز می‌پذیرد و راضی به آنچه هست می‌باشد؛ به قول نیچه «کسی که چرایی زندگی را یافته است، با هر چگونگی خواهد ساخت» (همان: ۱۵۵). هسته و اساس مکتب معنادرمانی فرانکل آن است که همه نابسامانی‌های روانی به این برمی‌گردد که شخص معنایی برای زندگی خود نمی‌یابد و هدفی برای زندگی در سر ندارد. برای درمان مشکل انسان حریص و بیمار امروزی باید القای معنی و هدف کنیم. اگر شخصی هدف درست را یافت، سلامت او کامل می‌شود، با ورود معنا به زندگی، همه خواست‌ها و سلوک‌ها به یک هدف معطوف می‌شود و سراپای وجودش طالب یک چیز می‌گردد و به فردی قانع و خودبسنده مبدل می‌گردد» (ملکیان، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

با توجه به این مطالب، «اگر بپذیریم هدف مکاتب روان‌شناسی، چیزی جز سعادت درونی، شادی زندگی انسان‌ها نیست و در پی آن‌اند تا روح و روان انسان را از پریشانی و اضطراب به سوی آرامش و نشاط سوق دهند و او را از پوچی و بی‌معنایی برهانند و به زندگی و افکار و اندیشه‌های آدمی معنی ببخشند. بی‌گمان پهنه ژرف و گسترده ادبیات نیز یکی از جلوه‌های مهم برای تحقق این آرمان انسانی است. هنر و ادبیات از بهترین وسایل صیقل دل و روح آدمی هستند و ادبیات یک نیاز انسانی است» (پایمر، ۱۳۸۹: ۴۹).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای ادبیات در سطح جهان، ترویج اخلاق و ارزش‌های جهانی اخلاقی است که ادبیات فارسی نیز از این قاعده مستثنا نیست. «ادبیات فارسی، گنجینه‌ای ارزشمند و سرشار از محتوا و مطالبی است که همه نسل‌های این سرزمین از آن بهره‌مندی کافی برده‌اند و هر روز بر غنای آن افزوده می‌شود. یکی از رسالت‌های

ادبیات فارسی تبیین معنای واقعی زندگی است» (موسوی، ۱۳۹۲: ۵۶).

به بیان دیگر می‌توان گفت: «ادبیات فارسی گنجینه‌ای است که ما را در فهم بسیاری از مفاهیم تربیتی، روان‌شناسی و اخلاقی یاری می‌کند. بزرگان عرصه شعر و ادب، راه و رسمی را به ما آموخته‌اند تا بتوانیم در پرتو آن زندگی بهتری داشته باشیم» (جعفری، ۱۳۹۱: ۴۷). به تعبیری، معنای واقعی زیستن را به ما تعلیم می‌دهند. در این راستا، مولوی و سعدی از طلایه داران سترگ فرهنگ این مرزوبوم هستند که آثارشان، جان و دل فارسی‌زبانان و به‌خصوص ایرانیان را سرشار از زندگی و نشاط کرده و پناهگاه امن و استواری برای آنان بوده است. در اندیشه آن‌ها، تعالی و کمال انسان از رهگذر پیوند با همین دنیای مادی به دست می‌آید. بر این اساس، ما باید همواره در پی ارتباط عمیق و معنادار با هستی باشیم و با پیوست به دریای بیکران معرفت، به زندگی خود معنا و گستره‌ای ببخشیم که با وجود ناملایمات، بتوان به زندگی ادامه داد.

نوابغ بزرگ ادبی ایران مثل مولوی و سعدی همواره به بُعد تعلیمی ادبیات اهمیت زیادی داده و کوشیده‌اند در شاهکارهای ادبی خود، مثنوی معنوی و بوستان، به این مهم بپردازند. آن‌ها هنرمندانی کم‌نظیرند که آموزش‌های اخلاقی خود را با ذکر حکایات و تمثیل در ذهن مخاطب، ماندگار می‌سازند و عصاره تجربیات خویش را با رنگ و بوی آموزه‌های اسلامی درمی‌آمیزند. بنابراین در آثار خود، ضمن بیان حکایات و داستان‌های خود، به تبیین آموزه‌های اخلاقی، اندیشه‌های بشردوستانه، انسان‌گرایانه و اجتماعی پرداخته‌اند. قناعت یکی از مفاهیم اخلاقی است که مورد توجه آن‌ها قرار بوده است؛ مفهومی که متأسفانه امروزه به‌درستی عمل نمی‌شود و عدم وجودش ریشه بسیاری از نابسامانی‌های اخلاقی است. با توجه به اینکه آبشخور اصلی افکار و اندیشه‌های مولوی و سعدی قرآن کریم بوده است، کوشیده‌اند تا با بهره‌گیری از مضامین قرآن، ضمن ستودن قناعت به مذمت حرص و طمع بپردازند. در آثار فاخر یادشده، قناعت یکی از عوامل اصلی آرامش واقعی رزق، پاکی و... معرفی شده و هر دو شاعر بزرگ، درصددند تا به شیوه مستقیم و غیرمستقیم، مخاطبان خویش را به سوی این فضیلت اخلاقی سوق داده و از سوءبرداشت‌های احتمالی رهایی بخشند.

با توجه به اهمیت و جایگاه قناعت در فرهنگ اسلامی و آثار بزرگ زبان فارسی و تأثیر آن در یافتن زندگی معنادار، نگارندگان درصددند تا در این پژوهش، ضمن واکاوی تطبیقی جایگاه قناعت در مثنوی معنوی مولوی و بوستان سعدی و تأملی در دیدگاه مکتب معنادرمانی، به ارائه الگوی تربیتی پردازند.

۱-۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف غایی پژوهش حاضر، واکاوی تطبیقی جایگاه قناعت در مثنوی معنوی مولوی و بوستان سعدی با تأملی در دیدگاه مکتب معنادرمانی و ارائه یک الگوی تربیتی است. از این رو، نگارندگان با توجه به خلأ مطالعاتی در این زمینه، بر آن شدند با مطالعه عمیق مثنوی معنوی و بوستان و بهره‌گیری از گنجینه ادب فارسی و مروری مختصر بر مؤلفه‌های دیدگاه مکتب معنادرمانی، شاخص‌ها و مفاهیم مرتبط با آن‌ها را استخراج و ضمن طبقه‌بندی، الگویی ارائه دهند. همچنین از اهداف فرعی این پژوهش می‌توان به کاربرد عملی ادبیات در علوم تربیتی، کاربردی کردن آثار ادبی با توجه به نیازهای عصر حاضر، به خصوص مفهوم قناعت که در عصر حاضر جای خالی آن به خوبی مشهود است، اشاره کرد.

از آنجا که پژوهش‌های مرتبط با مطالعات میان‌رشته‌ای وسعت بیشتری یافته است، انجام این مدل از تحقیقات، ظرافت خاصی را می‌طلبد. پرسش‌های مستتر در این پژوهش را می‌توان در دو محور ذیل خلاصه کرد:

الف. شاخص‌ها و مفاهیم مرتبط با جایگاه قناعت بر اساس اندیشه‌های مولوی و سعدی در متون منتخب (مثنوی معنوی، بوستان)، با تأمل در مؤلفه‌های مرتبط دیدگاه مکتب معنادرمانی کدام‌اند؟

ب: الگوی تربیتی حاکم بر این مفاهیم و مؤلفه‌ها، با بسط حوزه‌های یادگیری چگونه است؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره مولوی و سعدی و نوع نگرش عرفانی، تربیتی و اخلاقی آن‌ها پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته، اما پژوهشی که به‌طور ویژه به واکاوی جایگاه قناعت در مثنوی معنوی و بوستان و مکتب معنادرمانی و ارائه الگوی تربیتی از آن پردازد، انجام نشده است؛

لذا پژوهش حاضر در نوع خود نخستین گام محسوب می‌شود.

شایان ذکر است که پژوهش‌هایی درباره مفاهیمی چون، ریاضت، حرص، قناعت و دیگر رذایل و فضایل اخلاقی در این متون انجام شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «مثنوی دریای فضایل تربیتی و تعلیمی» (بارانی، ۱۳۹۱). در این مقاله، به اختصار مواردی از فضایل تربیتی از جمله، اخلاق خوب، علم‌آموزی آمده و در یک بیت نیز از قناعت یاد شده است. نویسنده این مقاله، از مولوی به عنوان یکی از شاعران اخلاق‌مدار نام می‌برد.

- «سفارش‌های اقتصادی سعدی در بوستان و گلستان» (پرینان و حسینی، ۱۳۹۱). در این مقاله، ضمن اشاره به توانمندی‌های سعدی شیرازی در بیان حکمت‌های عملی و پرمایه اخلاقی، به مواردی از سفارش‌های اقتصادی آن شاعر گران‌قدر اشاره شده است. قناعت یکی از مواردی است که حدود یک صفحه از این نگارش را در بر دارد.

- «حرص و طمع در مثنوی معنوی و مقایسه آن با چهار اثر در حوزه ادبیات تعلیمی» (نوروزپور، ۱۳۹۲). در این مقاله به مقایسه مثنوی معنوی با چهار اثر مشهور، قابوس‌نامه، رساله قشیریه، کیمیای سعادت و اخلاق ناصری پرداخته است. نگارنده در پایان به این نتیجه رسیده است که مولانا در قیاس با دیگران، جنبه‌های گوناگون طمع را به درستی بررسی کرده و آن را آفتی برای شناخت و سلوک عرفانی دانسته است؛ به گونه‌ای که تداوم و پیروی از هوای نفس، مانع ادراک می‌شود؛ از سویی عاملی چون قناعت می‌تواند این موانع را برطرف سازد و زمینه ادراک را تسهیل گرداند.

- «آموزه‌های تعلیمی مثنوی مولوی در حوزه آسیب‌های اجتماعی» (گذشتی و کاکاوند، ۱۳۹۳). در این مقاله، به برخی از مفاهیم و ارزش‌های مثنوی پرداخته شده و ضمن آن، تصویر روشنی از کاربرد عملی آموزه‌های تعلیمی در حوزه اجتماع نمایان گردیده است. «قناعت» یکی از مفاهیمی است که در بستر آموزه‌های تعلیمی مولوی، برای حوزه تعلیم و تربیت، فواید فراوانی دارد که از آن جمله می‌توان به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی یاد کرد. یکی از این آسیب‌ها، افراط و تفریط در مسائل اقتصادی است. قناعت یکی از بهترین راه‌های برون‌رفت از این مسئله است.

«سفارش‌های اخلاقی در کلیات سعدی با رویکرد به قرآن و نهج‌البلاغه» (موسی‌آبادی و فخراسلام، ۱۳۹۵). نویسندگان این پژوهش، به تمرین آموزه‌های اخلاقی در کلیات سعدی از جمله قناعت اشاره می‌کنند. آن‌ها در پایان مقاله، به هم‌راستایی مفاهیم اخلاقی در کلیات سعدی با آموزه‌های دینی تأکید می‌کنند.

«بررسی صفات پسندیده اخلاقی در دفتر اول، دوم و سوم مثنوی مولانا» (رضایی‌زاده، ۱۳۹۶). در این مقاله، یازده صفت اخلاقی مشخص شده است. وی در این نگارش، ضمن استناد به قرآن کریم و روایات معتبر، هرکدام از صفات نظیر احسان، صبر، خوش اخلاقی و قناعت را به صورت مختصر توضیح داده است. در این اثر به چند بیت متناظر با مفهوم قناعت نیز اشاره شده است.

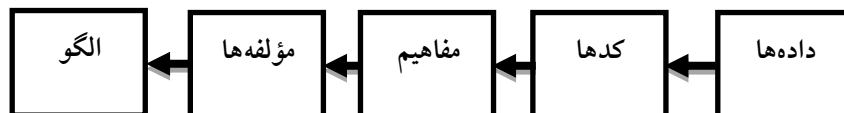
۳-۱. روش پژوهش

با توجه به ماهیت و پیچیدگی علوم تربیتی و دینی، روش‌های کمی پرسشنامه‌ای نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای تمامی مؤسسات و مراکز آموزشی باشد. از این رو لازم است تا به روش‌های کیفی و مبتنی بر مطالعات میان‌رشته‌ای توجه بیشتری شود. این پژوهش با توجه به اینکه به دنبال ارائه الگوی تربیتی است از روش گراندتئوری^۳ استفاده کرده است. برای واژه گراندتئوری در زبان فارسی، معادل‌هایی نظیر «نظریه مبنایی»، «نظریه داده‌بنیاد»، و «نظریه بنیادی» ارائه شده است (اخوان و جعفری، ۱۳۸۵: ۲۱).

در تعریف این نظریه گفته شده است: «نظریه داده‌بنیاد، عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی، برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند» (منصوریان، ۱۳۸۶: ۴۱).

به تعبیری دیگر، نظریه داده‌بنیاد، یک روش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران، در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به تئوری موجود و از پیش تعریف‌شده، خود به تدوین تئوری اقدام کنند (Glaser & Stravss, 1967: 51).

جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در این روش در سراسر مطالعه ادامه می‌یابد. غالباً در تحلیل داده‌ها سه مرحله دنبال می‌شود: ۱. کدگذاری باز^۴ (خواندن خط‌به‌خط نسخه‌ها، شناسایی و کدگذاری مفاهیم یافت‌شده در داده‌ها)؛ ۲. کدگذاری محوری^۵ (سامان‌دهی مفاهیم و انتزاعی کردن آن‌ها)؛ ۳. کدگذاری انتخابی^۶ (بسط کدهای یادشده جهت و تدوین الگو).
جدول (۱): مدل فرایند اجرای گرانددتئوری (Glaser & Stravss, 1967).



در این پژوهش، از طرح «ظهوریابنده گلیزر» استفاده شد؛ زیرا مبنای کار بر این اساس است که از دل داده‌های کیفی، مفاهیم و مؤلفه‌های مرتبط استخراج شود. این پژوهش‌ها از نوع اکتشافی است و به فرضیه نیازی ندارد، بلکه باید الگویی در پایان ساخته شود و چون پایه اصلی ساخت الگو، داشتن مفاهیم است، باید سازوکاری فراهم شود تا بتوان مفاهیم را شناسایی کرد. این کار در مرحله اول تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفته است.
در مرحله نخست، داده‌های کیفی مرتبط استخراج شد. اسناد ما در گردآوری داده‌ها، مثنوی معنوی مولوی و بوستان سعدی و مؤلفه‌های مرتبط در مکتب معنادرمانی است. در برخی از اشعار برای جلوگیری از تکرار یک مفهوم، مفاهیم ناظر در قالب یک مفهوم استخراج و سپس در مرحله دوم، ابیات مرتبط کدگذاری شد. با مقایسه کدها، چند کد که اشاره به یک جنبه مشترک داشت، عنوان یک مؤلفه به خود گرفت، آنگاه بر پایه مؤلفه‌ها و با بسط پژوهش با عوامل تربیتی، الگویی ارائه گردید.

۲. حوزه‌های یادگیری

در اواسط دهه ۱۹۵۰، بنجامین بلوم برای یادگیری، سه حوزه اندیشیدن (شناختی)، نگرش (عاطفی) و کنش (روانی، حرکتی) را مطرح کرد که هریک دارای سلسله‌مراتبی است. دانش‌آموزان در قالب حوزه‌های یادشده، قادر خواهند بود علاوه بر شناخت یک مسئله یا مفهوم، به آن علاقه‌مند شده و در راستای آن عمل کنند (سیف، ۱۳۹۶: ۱۴۱). در الگوی ارائه‌شده، به این سه حوزه اشاره می‌شود.

۳. بررسی مفهوم قناعت

۳-۱. در لغت

همواره تعاریف گوناگونی از مفهوم قناعت صورت گرفته است. ابن منظور «قنَع» را به «رَضَى» و «قناعت» را به «الرَضَا بِالْقِسْمِ»، (رضایت دادن به قسمت خود) معنا کرده است (Neuman, 1997: 116). فراهیدی نیز در معنای این واژه گفته است: «قَنَعَ يَقْنَعُ قنَاعَه، ای: رَضِيَ بِالْقِسْمِ فَهُوَ قَنِعٌ وَ هُمْ قَنِعُونَ» (۱۴۲۵: ۵۹). راغب اصفهانی نیز قناعت را اکتفا کردن به مقدار کم از چیزهایی که به آنها محتاج است، تعریف کرده است (۱۳۸۶: ۸۶). در فرهنگ فارسی نیز، قناعت در معنای خرسند بودن به قسمت خود و بسنده کردن به مقدار کم، گفته شده است (معین، ۱۳۸۰: ۷۶۹).

۳-۲. از منظر علم اخلاق و عرفان

علمای اخلاق اسلامی به تبعیت از آیات و روایات، قناعت را در شمار بایدهای اخلاقی برشمرده و ثمرات بسیاری برای آن قائل‌اند. در علم اخلاق، ملکه قناعت از صفات فاضله و از حالات مثبت نفسانی تعریف شده است که می‌تواند آثار مثبتی در زندگی فرد و به تبع آن در اجتماع بگذارد؛ از این رو بزرگان و عالمان مسلمان به شرح و بسط این مفهوم پرداخته‌اند، از آن جمله نراقی در تعریف قناعت اذعان می‌دارد که «ضد صفت حرص، ملکه قناعت است و آن حالتی است از برای نفس، که باعث اکتفا کردن آدمی است به قدر حاجت و ضرورت و زحمت نکشیدن در تحصیل فضول از مال و این از جمله صفات فاضله و اخلاق حسنه است و همه فضایل به آن منوط؛ بلکه راحت در دنیا آخرت به آن مربوط است» (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۶۴). در اخلاق ناصری نیز قناعت با تهذیب نفس تعریف شده است: «قناعت آن بود که نفس، آسان فراگیرد امور مآکل و مشارب و ملابس و غیر آن را و رضا دهد و به آنچه سد خلل کند، از هر جنس که اتفاق افتد» (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۱۴). به فرموده حضرت رسول (ص) «لَيْسَ الْغَنِيُّ عَنِ كَثْرَةِ الْعُرُوضِ إِنَّمَا الْغَنِيُّ النَّفْسِ؛ بی‌نیازی به داشتن مال بسیار نیست؛ بی‌نیازی حقیقی، بی‌نیازی نفس است» (مجتبوی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۵۸).

در بینش عرفانی، قناعت از مقوله‌های اساسی عرفان اسلامی است که به تبعیت از شریعت ناب محمدی، آن را بسیار ارج می‌نهند و مقدمه رسیدن به حال رضا می‌دانند. در مصباح الهدایه آمده: «قناعت، مقدمه رضاست؛ هر که قانع شد، مستعد نزول حال رضا

گشت» (کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۴۴). امام علی^(ع) قناعت را به شمشیر تیزی مانند کرده‌اند که هیچ‌گاه کند نمی‌شود: «به حکم آنکه قناعت سبب نفاذ عیش است به آسانی، امیرالمؤمنین، علی^(ع) آن را به سیف قاطع نسبت کرده که: **القنَاعَةُ سِيفٌ لَا يَنْبُؤُ**» (همان: ۲۴۴).

قناعت در اصطلاح عارفان، ملکه‌ای است نفسانی که موجب می‌شود انسان با چشم‌پوشی از زخارف دنیوی، اساس زندگی را به میانه‌روی بنیان نهد. قناعت «عبارت است از وقوف نفس بر حد قَلْت و کفایت و قطع طمع از طلب کثرت و زیادت، و هر نفس که بدین صفت متصف شد و بدین خلق متخلق گشت، خیر دنیا و آخرت و گنج عنا و فراغت بر وی مسلم داشتند و راحت ابدی و عزّ سرمدی نصیب او گردانیدند... و غنا، که عبارت از عدم احتیاج است، گویا کسوتی است بر قد قناعت دوخته؛ چه احتیاج از صاحب قناعت، به سبب قسر طمع بر موجود و قطع نظر از معدوم صورت نبندد» (همان: ۲۴۵). از این دیدگاه می‌توان قناعت را گوهری نفسانی برشمرد که از توجه به حضرت حق و بی‌توجهی به زخارف دنیا حاصل می‌شود. عرفای اسلامی، عبارات و جملات ارزشمندی درباره قناعت دارند.

«بویزید را گفتند: چگونه یافتی آنچه یافتی؟ گفت: اسباب دنیا جمع کردم و به رَسَن قناعت بیستم و اندر منجیق صدق نهادم و به دریای نومیدی انداختم و به راحت افتادم» (عطار، ۱۳۷۴: ۹۴). ابو عبدالله خفیف گوید: «قناعت طلب ناکردن است آنچه را در دست تو نیست و بی‌نیاز شدن است بدانچه هست؛ و در معنی آن که خدای عزّوجلّ می‌گوید **لَیْرِزُقْنَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا**» گفته‌اند: قناعت است» (قشیری، ۱۳۸۷: ۴۵۵).

۳-۳. در ادبیات فارسی

ورود اسلام به ایران و در آمیختن فرهنگ ناب اسلامی با فرهنگ غنی ایرانی سبب شد که نویسندگان و شاعران ایرانی آثاری ارزشمند را با اقتباس از آیات و روایات و با استفاده از مضامین و شواهد فرهنگ دینی، از خود به یادگار بگذارند و از این طریق به ترویج شعائر و اخلاقیات اسلامی بپردازند. «از جمله عواملی که زمینه‌ساز تأثیر و تجلی قرآن و حدیث در ادب پارسی بوده است، می‌توان از ابلاغ پیام دین و مواعظ اخلاقی، بیان مقاصد عالی عرفانی و راه‌ورسم سلوک انسانی و بیان حکمت‌های که میراث ارجمند تمامی ملت‌ها به شمار می‌رود، یاد کرد» (دیاری بیدگلی و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۵). در این راستا باید یادآور شد که «اخلاقی که از اندرزنامه‌های کهن سرچشمه می‌گیرد، پیچیده،

ظریف و چنان سرشار است که می‌توان مضامینی ادبیات فارسی، سده‌های نخستین را بر اساس آن استوار کرد. نقش اصلی این مجموعه‌ها، برانگیختن نوعی نگرانی وحدت بخشیدن به آن و بر حذر داشتن وجدان از خواب آلودگی و متقاعد کردن آن است به اینکه راحتی و آسایش در این بیداری است، این اندرنامه‌ها نطفه اصلی اندیشه‌های اخلاقی است که در سراسر ادبیات فارسی به چشم می‌خورد» (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۲۳). از این رهگذر، در ادبیات فارسی نیز نظیر ادبیات دینی و اخلاقی، قناعت همواره در مفهوم «اسراف نکردن» و «میان‌روی در مصرف» مقابله با حرص و... به کار رفته است و بسیاری از شعرا و نویسندگان ایرانی، آثار ارزشمندی درباره قناعت خلف کرده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به سنایی، صائب تبریزی، نظامی، عطار نیشابوری، پروین اعتصامی و... نام برد که آوردن نمونه اشعار آن‌ها خارج از حوصله این مطالعه است. در این پژوهش به دو تن از شاعران گران‌قدر و صاحب سبک (مولوی، سعدی) که در دوران تاریخی ادبی یکسانی می‌زیستند، اشاره می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌های ناظر بر جایگاه و مؤلفه‌های مرتبط با قناعت

۴-۱. کدگذاری باز

در مرحله نخست، با توجه به مراحل که در روش پژوهش گفته شد، کدهای مناسبی برای داده‌های مختلف اختصاص یافته و این رمزها در قالب مفاهیمی دسته‌بندی می‌شود:

جدول (۲): کدهای مرتبط با اشعار جایگاه قناعت در مثنوی معنوی مولوی

مفاهیم ناظر بر جایگاه قناعت	مثنوی معنوی (مولوی، ۱۳۹۴)
-----------------------------	---------------------------

<ul style="list-style-type: none"> - عشق به حق در سایه پاک - چهره زرد عاشق خدا در عین برخورداری از سلامت - حیرت افراد متخصص از عشق افراد خالص به خدا - بی‌پیرایه بودن از آمال‌های دنیوی - زندگی پاک در سایه قناعت 	<p>آن جهان چون ذره ذره زنده‌اند/ نکته‌دانند و سخن‌گوینده‌اند هرکه را گلشن بود بزم وطن/ کی خورد او باده اندر گولخن جای روح پاک علین بود/ کرم باشد کش وطن سرگین بود تا که آید لطف بخشایش‌گری/ سرخ گردد روی زرد از گوهری زردروی بهترین رنگ‌هاست/ زانک اندر انتظار آن لقاست لیک سرخی بر رخى كان لامع است/ بهر آن آمد که جانش قانع است چون ببیند روی زرد بی‌سقم/ خیره گردد عقل جالینوس هم (ج: ۵، ۱۷۴)</p>
<ul style="list-style-type: none"> - تفاوت فرمانروای مادی و معنوی - ارتباط بی‌نیازی با توانایی - تفاوت عمیق قدرت ظاهری و باطنی 	<p>صوفی‌ای بر میخ روزی سفره دید/ چرخ می‌زد جامه‌ها را می‌درید بوالفضولی گفت صوفی را که چیست؟/ سفره‌ای آویخته وز نان تهی‌ست! گفت رو رو نقش بی‌معنی‌ستی/ تو بجو هستی که عاشق نیستی آن قنبری کو ز معنی بوی یافت/ دست بریده همی زنبیل بافت عشق نان بی‌نان غذای عاشق است/ بند هستی نیست، هرکس صادق است عاشقان را کار نبود با وجود/ عاشقان را هست بی‌سرمایه سود (ج: ۳، ۱۴۱)</p>
<ul style="list-style-type: none"> - یادآوری شعار قناعت در لوای فقر منفی - خودبینی در تعریف قناعت - تقبیح گنج‌های مادی و ستایش گنج حقیقی 	<p>زن بر او زد بانگ، کای ناموس کیش/ من فسون تو نخواهم خورد بیش ترهات از دعوی و دعوت بگو/ رو سخن از کبر وز نخوت مگو چند حرف طمطراق و کاروبار/ کار و حال خود ببین و شرم دار از قناعت کی تو جان افروختی؟/ از قناعت‌ها تو نام آموختی گفت پیغمبر: قناعت چیست؟ گنج/ گنج را تو نمی‌دانی ز رنج این قناعت نیست جز گنج روان/ تو مزن لاف ای غم و رنج روان (ج: ۱، ۴۳۱)</p>

<p>- شناخت ظاهری جهل و قناعت در عدم بهره‌مندی از دنیا</p> <p>- ارتباط پرهیزگاری با قناعت</p> <p>- تقبیح گداصفتی</p> <p>- ستایش قناعت</p>	<p>مادر شه‌زاده گفت از نقص عقل / شرط کفویت بود در عقل نقل تو ز سُح و بُخل خواهی، وز ده‌ها تا ببندی پور ما را بر گدا گفت صالح را گدا گفتن خطاست / کاو غنی القلب از داد خداست در قناعت می‌گریزد از تُقی / نز لثیمی و کسل همچون گدا قَلَتی کان از قناعت وز تُفاست / آن ز فقر و قلتِ دونان جداست حبه‌ای آن گر بیابد سر نهد / وین ز گنج زر به همت می‌جهد</p> <p>(ج ۴، ۸۵۴)</p>
<p>- تقابل حرص با قناعت</p> <p>- آرامش درون با قناعت</p>	<p>بند بگسل، باش آزاد ای پسر / چند باشی بند سیم و بند زر گر بریزی بحر را در کوزه‌ای / چند گنج‌د؟ قسمت یک روزه‌ای کوزه چشم حریصان پُر نشد / تا صدف قانع نشد پُر دُر نشد</p> <p>(ج ۱، ۹۶)</p>
<p>- ترک علائق و زیاده‌خواهی دنیوی و ایصال به ادراک حقایق</p>	<p>از طمع، هرگز نخوانم من فسون / این طمع را کرده‌ام من سرنگون حاش لله، طمع من از خلق نیست / از قناعت در دل من عالمی است</p> <p>(ج ۱، ۲۰۲)</p>
<p>- قناعت و صرفه‌جویی</p> <p>- تقابل قناعت و اسراف</p>	<p>هم بچیدی دانه مرغ از خرمنش / هم نیفتادی رسن در گردنش دانه کمتر خور، مکن چندین رفو / چو کلو خواندی، بخوان لاتسرفوا لقمه اندازه خور ای مرد حریص / گرچه باشد لقمه حلوا و خبیص تا خوری دانه نیفتی به دام / این کند علم و قناعت والسلام</p> <p>(ج ۵، ۷۲)</p>
<p>- حرص و ترش‌رویی</p> <p>- لذت قناعت</p>	<p>سرکه مفروش و هزاران جان بین / از قناعت، غرق بحر انگبین</p> <p>صد هزاران جان تلخی کش نگر / همچو گل آغشته اندر گل شکر</p> <p>ای دریغا مر تو را گنجا بڈی / تا ز جانم شرح دل پیدا شدی</p> <p>(ج ۱، ۲۰۲)</p>
<p>- قناعت دریای شادی</p>	<p>حاش لله طمع من از خلق نیست / از قناعت در دل من عالمی است زآنکه درویشان و رأی ملک و مال / روزی‌ای دارند ژرف از ذوالجلال</p> <p>(ج ۱، ۲۰۰)</p>
<p>- درک درست و نادرست از رزق و روزی</p> <p>- ارتباط رزق و رضایت</p>	<p>گفت روبه، جستن رزق حلال / فرض باشد از برای امثال عالم اسباب و چیزی بی‌سبب / می‌نیاید، پس مهم باشد طلب گفت پیغمبر که بر رزق ای فتا / در فرو بسته است و بر در قفل‌ها</p>

<p>- توکل سرچشمه رزق</p>	<p>جنبش و آمدشد ما و اکتساب/ هست مفتاحی بر آن قفل و حجاب بی کلید این در گشادن راه نیست/ بی طلب نان، سنت الله نیست (ج ۵، ۱۱۷)</p>
<p>- توکل سرچشمه رزق</p>	<p>گفت: از ضَعْفِ توکل باشد آن/ ورنه بدهد نان کسی که داد جان هر که جوید پادشاهی و ظفر/ کم نیابد لقمه نان ای پسر! دام و دد، جمله، همه اَکَالِ رزق/ نه پی کسب‌اند، نه حَمَالِ رزق جمله را رَزاقِ روزی می‌دهد/ قسمت هریک به پیشش می‌نهد رزق آید پیش هر که قانع است/ رزق و روزی نزد ربِ صانع است (ج ۵، ۱۱۷)</p>
<p>- ارتباط طمع با عدم توکل - قناعت گنج حقیقی - حرص و شکست</p>	<p>گفت روبه: آن توکل نادر است/ کم کسی اندر توکل ماهر است گردِ نادر گشتن از نادانی است/ هر کسی را کی ره سلطانی است؟ چو قناعت را بیمبر گنج گفت/ هر کسی را کی رسد گنج نهفت؟ (ج ۵، ۱۱۸)</p> <p>گفت این معکوس می‌گویی بدان/ شور و شر از طمع آید سوی جان از قناعت هیچ کس بی‌جان نشد/ از حریصی هیچ کس سلطان نشد (ج ۵، ۱۱۸)</p>

جدول (۳): کدهای مرتبط با اشعار جایگاه قناعت در بوستان سعدی

<p>مفاهیم ناظر بر جایگاه قناعت</p>	<p>بوستان سعدی (۱۳۸۴)</p>
<p>- خداوند روزی‌رسان حقیقی - قناعت مقدمه‌ای برای دریافت مفهوم امید به خدا در بدترین شرایط اقتصادی</p>	<p>یکی طفل دندان برآورده بود/ پدر سر به فکرت فرو برده بود که من نان و برگ از کجا آرمش/ مروت نباشد که بگذارمش چو بیچاره گفت این سخن پیش جفت/ نگر تا زن او را چه مردانه گفت: مخور هول ابلیس تا جان دهد/ همان کس که دندان دهد، نان دهد تواناست آخر خداوند روز/ که روزی رساند تو چندین مسوز نگارنده کودک اندر شکم/ نویسنده عمر و روزی است هم (ص ۱۴۹)</p>
<p>- قناعت، شاهراه دوری از حرص - رضایت به تقدیر خداوند در باب رزق</p>	<p>نیرزد غسل، جان من، زخم نیش/ قناعت نکوتر به دوشاب خویش خداوند از آن بنده خرسند نیست/ که راضی به قسم خداوند نیست (همان: ۱۵۰)</p>

<p>- قناعت عامل رهایی از تیرگی جان</p> <p>- دوری از قناعت سبب خوار شدن</p>	<p>مرو از پی هرچه دل خواهدت / که تکمین تن، نور جان کاهدت کند مرد را نفس اماره خوار / اگر هوشمندی عزیزش مدار (همان: ۱۴۷)</p>
<p>- قناعت در مقابل حرص</p> <p>- پیامد شوم تن پروری و غفلت از قناعت</p>	<p>درون جای قوت است و ذکر و نفس / تو پنداری از بهر نان است و بس کجا ذکر گنجد در اینان آز / به سختی نفس می کند پادراز ندارند تن پروران آگهی / که پرمعده باشد ز حکمت تهی (همان: ۱۴۶)</p>
<p>- قناعت مصداق:</p> <p>- «بخورید و بیاشامید، اما اسراف و زیاده روی نکنید.»</p>	<p>نه چندان بخور کز دهانت برآید / نه چندان که از ضعف جانت برآید با آنکه در وجود طعام است عیش نفس / رنج آورد طعام که بیش از قدر بود گز گلشکر خوری به تکلف، زیان کند / ورنان خشک دیر خوری، گلشکر بود (همان: ۱۱۱)</p>
<p>- قناعت؛ عامل عزتمندی</p> <p>- قناعت در مقابل حرص</p> <p>- قناعت، فضیلت بزرگ اخلاقی</p> <p>- قناعت مصداق شعار، مرگ با عزت، بهتر از زندگی با ذلت</p>	<p>یکی پرطمع پیش خوارزمشاه / شنیدم که شد بامدادی پگاه چو دیدش به خدمت دوتا گشت و راست / دگر روی بر خاک مالید و خاست پسر گفتش ای بابک نامجوی / یکی مشکلت می بیرسم بگوی نگفتی که قبله ست سوی حجاز / چرا کردی امروز از این سو نماز؟ میر طاعت نفس شهوت پرست / که هر ساعتش قبله دیگر است قناعت سرافرازد ای مرد هوش / سر پرطمع برنیاید ز دوش طمع آبروی توقّر بریخت / برای دو جو دامنی در بریخت برو خواجه کوتاه کن دست آز / چه می بایدت ز آستین دراز؟ کسی را که درج طمع درنوشت / نباید به کس عبد و خادم نبشت توقع براند ز هر مجلس / بران از خودش تا نراند کست (همان: ۱۴۷)</p>

<p>- قناعت عامل شناخت خدا - توانگری شاخصه مهم قناعت</p>	<p>خدا را ندانست و طاعت نکرد/ که بر بخت و روزی قناعت نکرد قناعت توانگر کند مرد را/ خبر کن حریص جهانگرد را (همان: ۱۴۵)</p>
<p>- قناعت عامل رهایی از اندوه</p>	<p>قناعت کن ای نفس بر اندکی/ که سلطان و درویش بینی یکی چرا پیش خسرو به خواهش روی/ چو یک سو نهادی طمع، خسروی (همان: ۱۴۶)</p>
<p>- رهایی از قید طمع با اعمال قناعت</p>	<p>مگر می‌بینی که دد را و دام/ نینداخت جز حرص خوردن به دام؟ پلنگی که گردن کشد بر وحوش/ به دام افتد از بهر خوردن چو موش (همان: ۱۴۵)</p>

جدول (۴): مؤلفه‌های مرتبط با مفهوم قناعت‌ورزی از دیدگاه مکتب معنادرمانی

رنج جزء جدایی‌ناپذیر زندگی است	مؤلفه‌ها
<p>- رنج بخشش جدایی‌ناپذیر زندگی است؛ زیرا زندگی بدون رنج کامل نخواهد شد. تمام انسان‌ها در زندگی با رنج و درد دست‌به‌گریبان‌اند. مشکلات مالی یکی از رنج‌هاست. سه راه برای رسیدن به معنا در زندگی وجود دارد: انجام کاری ارزشمند، تجربه ارزش والا و تحمل رنج (فرانکل، ۱۳۸۹: ۱۷۲).</p>	<p>زیرمؤلفه‌ها</p>
<p>مشکلات مالی را اگر در قالب بخشی از رنج تفسیر کنیم، می‌توانیم با قناعت‌ورزی و پرهیز از حرص برطرفشان کرد.</p>	<p>استنباط مرتبط با قناعت</p>
<p>کوشش، رنج و پاداش</p>	<p>مؤلفه‌ها</p>
<p>- در سایه رنج است که گشایش و امید دستیابی به گنج معنا می‌یابد؛ به عبارت رساتر، اصل معنای زندگی در بستر و زمینه سختی‌ها و رنج‌هاست که مصداق می‌یابد. نیز اصل معنای زندگی در بستر و زمینه</p>	<p>زیرمؤلفه‌ها</p>

<p>سختی‌ها و رنج‌هاست که مصداق پیدا می‌کند. تلاش انسان در راه جستن و ارزش وجودی او در زندگی همیشه موجب تعادل نیست و ممکن است تنش‌زا باشد، این تنش، لازمه زندگی انسان است و آنچه انسان لازم دارد، کوششی است که در راه رسیدن به هدفی شایسته که درگیر آن می‌شود. آنچه انسان به آن نیاز دارد، تنها آسایش و رهایی از تنش نیست، بلکه پاسخ به معنی و هدفی بالقوه است که برای آن می‌کوشد (فرانکل، ۱۳۸۹: ۱۶۰).</p>	
<p>استقامت در برابر زیاده‌خواهی‌ها و قناعت پیشه کردن، گنج را به همراه دارد؛ همان‌طور که از خاک تیره، لاله‌های سرخ می‌روید، از رنج‌های خود نرنجید که گنج را به ارمغان می‌آورد.</p>	<p>استنباط مرتبط با قناعت</p>
<p>وسعت نظر انسان و کوشش برای معنایابی در رنج‌ها</p>	<p>مؤلفه‌ها</p>
<p>آنچه در زندگی انسان را به زانو درمی‌آورد، درد و سختی‌های مادی و غیرمادی نیست، بلکه ناتوانی او در معنا بخشیدن به این رنج‌هاست و این هم بستگی به این دارد که آدمی چطور به رنج و رنج‌های خویش بنگرد. هدف آن است که انسان از غم و اندوه خارج گردد و شادکامی و امید به آینده در او تقویت شود (همان: ۱۶۶).</p>	<p>زیرمؤلفه‌ها</p>
<p>با قناعت‌ورزی و نگاه امیدبخش به آینده، علاوه بر اینکه از اندوه‌های ناشی از رنج‌ها به‌خصوص رنج‌های مادی رهایی می‌یابیم، زمینه شادی و خوشبختی، در مسیر معنا دادن به زندگی حاصل می‌شود.</p>	<p>استنباط مرتبط با قناعت</p>
<p>رنج و سختی، انسان‌ساز است.</p>	<p>مؤلفه‌ها</p>
<p>درد و رنج، بهترین جلوه‌گاه ارزش وجودی انسان است؛ به‌عبارت دیگر سختی‌ها و صبر بر آن‌ها، شخصیت انسان را رقم می‌زند و او را به ارزش راستین می‌رساند. وقتی انسان با وضعیتی اجتناب‌ناپذیر روبه‌روست، این فرصت را یافته است که به عالی‌ترین ارزش‌ها و ژرف‌ترین معنای زندگی دست یابد. نگرش فرد به زندگی متعالی بسیار اهمیت دارد؛ زندگی‌ای که بهترین معنا را دارد (همان: ۱۷۵).</p>	<p>زیرمؤلفه‌ها</p>
<p>با تأمل در این مقوله می‌توان گفت که زندگی متعالی از نظر فرانکل را می‌توان حیات طیبه در دین اسلام فرض کرد، آنجایی که گاهی قناعت نیز به حیات طیبه متصف شده است.</p>	<p>استنباط مرتبط با قناعت</p>

مؤلفه‌ها	دین پاسخی به معنای زندگی و شناخت واقعی خدا
زیرمؤلفه‌ها	<p>«مفهوم دین به گسترده‌ترین معنای ممکن، آن‌طور که مورد نظر ماست، بی‌تردید فراگیرتر از مفهوم‌های محدودی است که بسیاری از نمایندگان دین فرقه‌ای تبلیغ می‌کنند. آن‌ها خدا را اغلب چون موجودی تحقیرآمیز تصور می‌کنند که بیش از هرچیز نگران شمار هرچه بیشتر مؤمنان به اصول اعتقادی خاصی است» (فرانکل، ۱۳۹۰: ۱۶).</p> <p>او بر این باور است: «اگر می‌خواهی مردم اعتقاد و ایمان داشته باشند، نمی‌توانی متکی به موعظه خاصی باشی، نخست باید خدایت را به گونه‌ای اعتقاد یافتنی توصیف کنی و خودت هم باید با اعتقاد عمل کنی، به او امید داشته باشی، بر او توکل کنی، همیشه همه‌چیز را از سوی او بدانی» (همان: ۱۷).</p>
استنباط مرتبط با قناعت	<p>توکل، ایمان و امید به خدا در قالب دینی را که فرانکل به آن معتقد است، می‌توان به قناعت‌ورزی متصف کرد. قناعت‌ورزی مثلث توکل، ایمان و امید به خداوند را به‌خوبی ترسیم می‌کند.</p>

۲-۴. کدگذاری محوری

در مرحله دوم، با توجه به روش یادشده، با مقایسه مفاهیم استخراج‌شده در دو اثر مثنوی معنوی و بوستان و مؤلفه‌های مرتبط با قناعت در مکتب معنادرمانی و یافتن پیوند مشترک میان آن‌ها، کدگذاری محوری انجام می‌شود. گفتنی است که برخی مفاهیم، می‌توانند وجه مشترکی با مؤلفه‌های تعریف‌شده دیگر نیز داشته باشند.

جدول (۵): کدگذاری محوری مفاهیم و مؤلفه‌های ترکیبی مرتبط با جایگاه قناعت در

مثنوی معنوی مولوی و بوستان سعدی و مکتب معنادرمانی

ردیف	مفاهیم کلی ناظر بر قناعت	مؤلفه‌های ترکیبی	تربیت مربوطه
۱	حیات طیبه، شناخت خدا، توکل به خدا، امید به خدا،	مذهبی، دینی	تربیت دینی

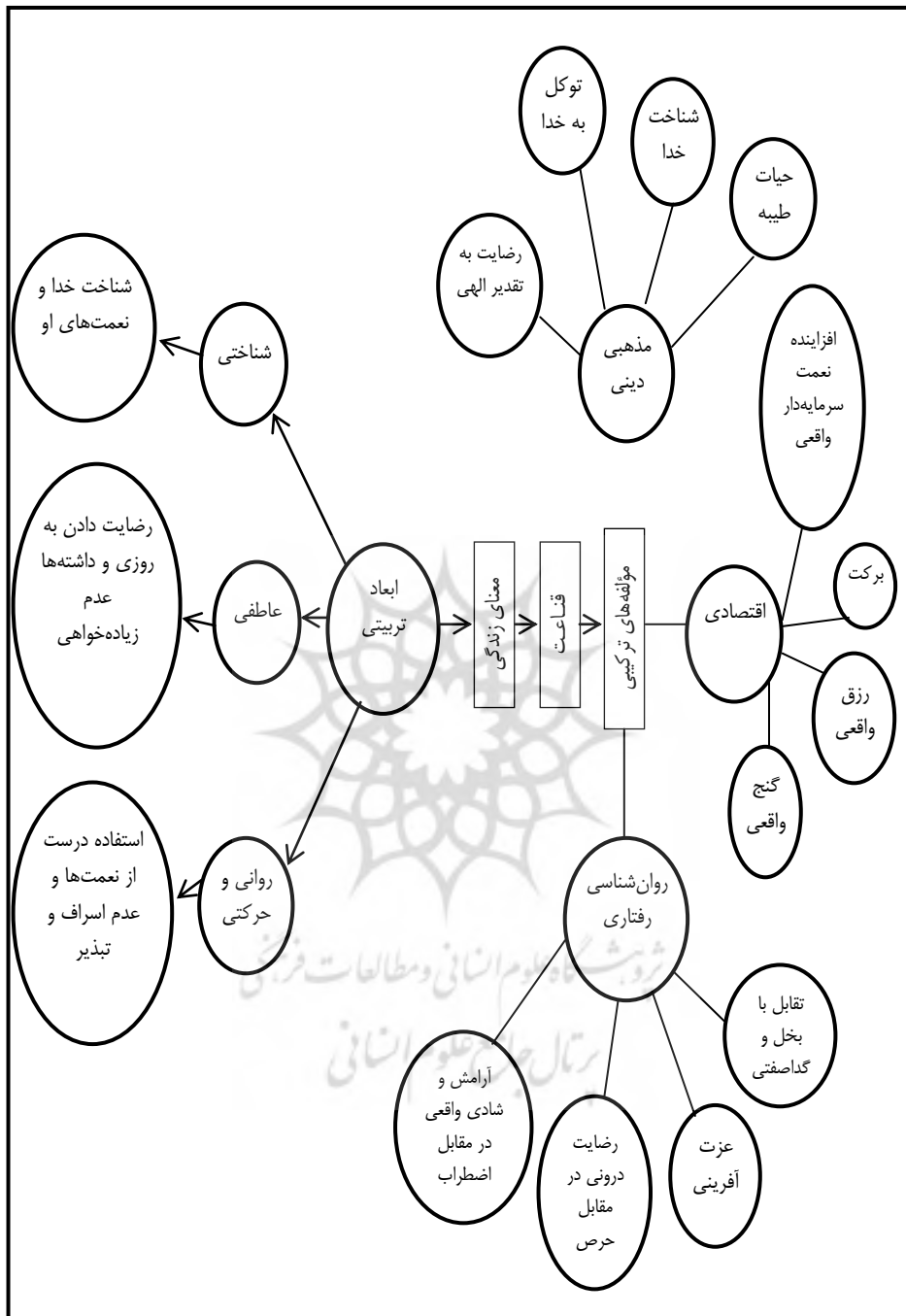
		رضایت به تقدیر و روزی، بی‌نیازی و ترک علایق دنیوی، دین پاسخی به معنای زندگی	
تربیت اقتصادی	اقتصادی	افزاینده نعمت‌ها، شیرینی زندگی، برکت، رزق و گنج واقعی، سرمایه‌دار واقعی، کوشش و پاداش	۲
تربیت روانی	رفتاری، روان‌شناسی	دوری از ذلت، عزت‌آفرینی، شادی واقعی، آرامش واقعی، رضایت درونی، تقابل با فقر و گداصفتی، رهایی از اندوه و شاهراه دوری از حرص، رنج و انسان‌سازی	۳

۳-۴. تدوین الگوی تربیتی جایگاه قناعت در بوستان سعدی و مثنوی معنوی مولوی

و مؤلفه‌های مرتبط با مکتب معنادرمانی

با توجه به مفاهیم و مؤلفه‌های استخراج‌شده از متون منتخب یادشده و مکتب معنادرمانی و تطبیق آن‌ها، به‌عنوان مرحله نهایی روش یادشده، در قالب کدگذاری انتخابی، الگویی تربیتی استخراج می‌شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل (۱): الگوی تربیتی منبعث از واکاوی تطبیقی جایگاه قناعت در مثنوی معنوی

مولوی و بوستان سعدی با تأملی در دیدگاه مکتب معنادرمانی

۸. نتیجه‌گیری

معنای زندگی از مسائلی است که امروزه به‌صورت جدی برای متفکران و اندیشمندان مطرح است. دانشمندان دینی، روان‌شناسان و مشاوران برای حل مشکلات (به‌ویژه مشکلات اخلاقی) و پدید آمدن آن‌ها در افراد جامعه، کوشش‌هایی کرده‌اند. با توجه به همه پیشرفت‌های علمی، متأسفانه ارزش‌های اخلاقی در بستر متصف کردن معنای نادرست به زندگی، روزبه‌روز به قهقرا می‌رود. در این راستا فرانکل با ابداع مکتب معنادرمانی بر معناجویی افراد در زندگی تأکید می‌کند و معتقد است رفتار انسان‌ها نه بر پایه لذت‌گرایی نظریه روان تحلیل‌گری و نه بر مبنای نظریه قدرت‌طلبی آدلر است، بلکه انسان‌ها در زندگی به دنبال معنا و مفهومی برای زندگی خود هستند. معنادادن به ارزش‌های اخلاقی در زندگی، نمونه‌ای از ارزش متعالی زیستن است. از سویی ادبیات کلاسیک سرزمین ما، به‌عنوان یکی از غنی‌ترین ادبیات ملل به حساب می‌آید.

بزرگان ادب فارسی، غالب شاهکارهای خود را با بهره‌گیری از فرهنگ اسلامی و آموزه‌های قرآنی خلق کرده‌اند. بیان و ترویج اصول اخلاقی در ادوار مختلف در بسیاری از آثار طراز اول ادبی هدف اصلی شاعران و نویسندگان بوده است. بوستان سعدی و مثنوی معنوی مولانا از امهات کتب فارسی است که از زمان نگارش تاکنون همواره مورد توجه ادب‌دوستان قرار داشته است. مولوی و سعدی در این دو اثر گران‌سنگ زبان فارسی، به ستایش فضایل اخلاقی و نکوهش رذایل اخلاقی پرداخته‌اند. هر دو از جمله شاعرانی هستند که در داستان‌های خویش با بهره‌گیری از شیوه‌های عالمانه و با تکیه بر عنصر اخلاق، فرهنگ اسلامی را به خواننده تعلیم می‌دهند و در تمام پندهایی که لابه‌لای حکایت‌ها بیان می‌کنند، عزت و شرافت انسان را برای رسیدن به سعادت واقعی در زندگی، مدار اندیشه‌ورزی‌های خود قرار می‌دهند. یکی از این فضایل اخلاقی که همواره مورد تأکید اسلام بوده، قناعت است. در این پژوهش، ضمن بررسی جایگاه قناعت در آثار یادشده و تأمل در مکتب معنادرمانی فرانکل، الگویی متناسب با آن ارائه گردید. از مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت:

- آبشخور تعالیم اخلاقی این دو شاعر بزرگ، قرآن کریم و تعالیم الهی بوده است؛

از این رو هر دو کوشیده‌اند برای تبیین بهتر مفهوم قناعت در ذهن مخاطب، به آیات قرآن و احادیث نبوی استشهاد کنند. تعالیم سعدی و مولوی در باب قناعت کاملاً برگرفته از آیات و روایات است و هیچ مغایرتی با آن ندارد.

- مولوی با الهام از قرآن و تعالیم الهی، قناعت را از خصایل پرهیزکاران می‌داند و بر این باور است که قناعت سبب ایصال به ادراک حقایق الهی، بلندهمتی و بی‌نیازی انسان از غیر حق می‌شود و افراد قانع از آمال دنیوی و پست مبرا هستند؛ زیرا هدف غایی زندگی خود را در لقای پروردگار می‌دانند و همین نگاه ویژه به زندگی سبب می‌شود که از حرص و طمع دور باشند و به آنچه از عالم غیب به آن‌ها عطا شده، راضی و خرسند باشند.

- سعدی در بوستان، پس از بیان مقدمه‌ای در باب قناعت، نمونه‌هایی از حکایات و تمثیل‌ها را برای روشنگری خوانندگان و تأثیر کلام و بیان نصایح خود ذکر می‌کند. وی در این باب به ذکر چهارده حکایت می‌پردازد؛ حکایاتی که بیانگر قناعت‌ورزی انسان‌ها از سویی و طمع‌ورزی آن‌ها از سوی دیگر است و در پایان نصایح و مواعظ لازم را متناسب با احوال مخاطب ذکر می‌کند.

- مولوی در مثنوی معنوی، فقط به توصیف افراد قناعت‌پیشه بسنده نمی‌کند، بلکه در خلال حکایات خود، خواننده را بر صفات زشتی که قناعت را از آدمی دور می‌سازد و در واقع در تقابل با قناعت هستند، معرفی می‌کند تا با تصویر زشتی‌ها، مخاطب را به سوی صفات پسندیده قناعت رهنمون باشد.

- مهم‌ترین نتایج قناعت از دیدگاه سعدی و مولوی، تغییر نگرش به زندگی، دیدن حقایق معنوی، گشایش باب رحمت الهی، شادی و آرامش خاطر است.

- بوستان سعدی و مثنوی مولانا، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، انسان را به سوی قناعت سوق می‌دهند و آن را سبب عزت نفس، سرافرازی، عدالت، اصلاح نفس، آسایش و در نتیجه رستگاری می‌دانند و از هر آنچه همت بلند او را پست و گوهر وجودی شخص را در ورطه نابودی می‌کشد، برحذر می‌دارند.

• فرانکل، مؤسس مکتب معنادرمانی، در جهت معنا دادن به زندگی، به مؤلفه‌هایی چون رنج جزء جدایی‌ناپذیر زندگی، کوشش، رنج و پاداش، وسعت نظر انسان و کوشش برای معنایابی در رنج‌ها، انسان‌ساز بودن رنج و سختی، دین پاسخی به معنای زندگی و شناخت واقعی خدا اشاره است.

• تطبیق استنباطی از مؤلفه‌های مکتب معنادرمانی مرتبط با قناعت، مفاهیم ترکیبی چون قناعت‌ورزی و مبارزه با حرص، قناعت‌ورزی و گنج، قناعت‌ورزی و شادی درونی، قناعت‌ورزی و زندگی متعالی (حیات طیبه)، قناعت‌ورزی و توکل و شناخت و امید به خدا را مشتمل می‌گردد.

• با واکاوی جایگاه قناعت در مثنوی معنوی مولوی و بوستان سعدی و تأملی در مؤلفه‌های مرتبط در مکتب معنادرمانی و تجمیع کدهای گوناگون و استخراج مؤلفه‌های مشترک، بستری مناسب برای ساخت یک الگوی تربیتی فراهم شد. الگوی یادشده، شامل سه مؤلفه ترکیبی مذهبی، روان‌شناسی و اقتصادی است که مؤلفه‌های جداگانه اما مکمل دارند. مؤلفه‌های ترکیبی مذهبی دینی، شامل حیات طیبه، شناخت خدا، توکل به خدا و رضایت به تقدیر الهی است که جایگاه رفیع قناعت را یادآور می‌شوند و به موازات، مؤلفه‌های ترکیبی روان‌شناسی، رفتاری شامل عناوینی چون عزت‌آفرینی، رضایت درونی و آرامش واقعی و تقابل با گداصفتی است و در نهایت، مؤلفه‌های ترکیبی اقتصادی، به مواردی چون برکت، رزق، گنج واقعی و سرمایه‌دار واقعی اشاره دارند، مضافاً کارکردهای یادشده، دارای همپوشانی معنایی هستند.

• الگوی تربیتی ارائه‌شده بر اساس جایگاه قناعت، تربیت سه‌گانه مجزا اما مکمل به نام‌های تربیت دینی، تربیت اقتصادی و تربیت روانی را شامل می‌شوند که در قالب سه حوزه شناختی، عاطفی و روانی حرکتی مرتبط است. در حوزه شناختی، متریبان با شناخت خداوند و نعمت‌هایش، جایگاه قناعت را بازمی‌شناسند و در حوزه عاطفی، با وجود کمبودها به روزی الهی رضایت داده و از زیاده‌خواهی دوری می‌کنند و مسلماً در حوزه روانی، حرکتی، از نعمت‌های مشروع الهی به‌درستی استفاده کرده و از اسراف پرهیز می‌نمایند.

پی‌نوشت‌ها

1. W. Frankl
2. Logotherapy
3. Grounded theory
4. VOpen Coding
5. VAxixl Coding
6. Selective Coding

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۷)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۳. اخوان، پیمان و جعفری، مصطفی (۱۳۸۵)، «نظریه‌پردازی و آزمایش نظریه‌ها در حوزه مدیریت دانش»، فصلنامه مدیریت فردا، شماره ۱۵، ۲۲-۲۸.
۴. بارانی، محمد و گل‌افشانی، رشید (۱۳۹۱)، «مثنوی، دریای فضایل تربیتی و تعلیمی»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، شماره ۱۳، ۶۳-۸۶.
۵. پایمرد، منصور (۱۳۸۹)، «با مدعی بگوئید»، *مجموعه مقالات حافظ‌شناسی*، شیراز: نوید.
۶. پرینیان، موسی و حسینی، سید آرمان (۱۳۹۱)، «سفارش‌های اقتصادی سعدی در بوستان و گلستان»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۵۹-۱۸۸.
۷. جعفری، حمید (۱۳۹۱)، «بررسی مفاهیم در دیوان صائب تبریزی»، فصلنامه تخصصی *علوم ادبی*، ۳۸-۷۳.
۸. دیاری‌بیدگلی، محمدتقی و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱)، *آموزه‌هایی از متون قرآن و حدیث*، چ ۱، قم: دفتر نشر معارف.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۶)، *مفردات الفاظ قرآن و اخلاق*، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، چ ۱، تهران: انتشارات سبحانی.
۱۰. رضایی‌زاده، مرتضی (۱۳۹۶)، «بررسی صفات پسندیده اخلاقی در دفتر اول، دوم و سوم مثنوی مولانا»، *مجموعه مقالات سومین همایش متن‌پژوهی ادبی*، تهران، ۱-۱۵.

۱۱. سعدی، شیخ مصلح‌الدین (۱۳۸۴)، بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، چ ۸، تهران: نشر خورازمی.
۱۲. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۶)، **سنجش فرایند و فراورده‌های یادگیری**، تهران: انتشارات دوران.
۱۳. شولتز، دوان (۱۳۸۸)، **روان‌شناسی کمال**، ترجمه گیتی خوشدل، تهران: پیکان.
۱۴. طوسی، جواجه نصیرالدین (۱۳۸۷)، **اخلاق ناصری**، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چ ۱، تهران: نشر خورازمی.
۱۵. عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۷۴)، **تذکره‌الاولیا**، تصحیح استعلامی، چ ۱، تهران: نشر زوار.
۱۶. فرانکل، ویکتور (۱۳۸۸)، **فریاد ناشنیده برای معنی**، روان‌درمانی و انسان‌گرایی، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی‌نیا، چ ۳، تهران: فراروان.
۱۷. — (۱۳۹۰)، **انسان در جستجوی معنای غایی**، ترجمه احمد صبوری و عباس شمیم. تهران: آشیان.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۲۵)، **کتاب العین**، ابراهیم السامرابی، تهران: اسوه.
۱۹. فوشه‌کور، شارل هندی (۱۳۷۷)، **اخلاقیات و مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری**، ترجمه محمدعلی امیری معزی، تهران: نشر دانشگاهی.
۲۰. قشیری، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، **رسالة قشیریه**، ترجمه ابوعلی عثمانی، چ ۱، تهران: نشر زوار.
۲۱. کاشانی، عزالدین محمد بن علی (۱۳۸۹)، **مصباح الهدایة و مفتاح الکفایه**، مقدمه، تصحیح و توضیحات عفت کرباسی و محمدرضا بزرگ خانقی، چ ۴، تهران: انتشارات زوار.
۲۲. گذشتی، محمدعلی و کاکاوند، فاطمه (۱۳۹۳)، «آموزه‌های تعلیمی مثنوی معنوی مولوی در حوزه آسیب‌های اجتماعی»، **پژوهشنامه ادبیات تعلیمی**، شماره ۲۱، ۱۰۸-۱۰۸۱.
۲۳. مجتبی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۶)، **علم اخلاق اسلامی**، ترجمه جامع السعادات

- نراقی، چ ۱، تهران: نشر حکمت.
۲۴. منصوریان، یزدان (۱۳۸۶)، «گراندتئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»، ویژه‌برنامه همایش علم و ادب و جامعه اطلاعاتی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۲۵. موسی آبادی، رضا و فخراسلام، بتول (۱۳۹۵)، «سفارش‌های اخلاقی در کلیات سعدی با رویکرد به قرآن و نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۲۶، ۹۷-۱۱۳.
۲۶. موسوی، مهین (۱۳۹۲)، *نوع پرستی و صلح طلبی از دیدگاه عطار نیشابوری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (به راهنمایی عبدالرضا مظاهری)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲۷. مولوی، جلال الدین (۱۳۹۴)، *مثنوی معنوی*، تصحیح محمد استعلامی، چ ۱۰، تهران: سخن.
۲۸. ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹)، *تاریخ فلسفه غرب*، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
۲۹. معین، محمد (۱۳۸۰)، *فرهنگ فارسی یک جلدی*، تهران: سرایش.
۳۰. نراقی، ملاحمد (۱۳۷۸)، *معراج السعادة*، تصحیح موسوی کلانتری، چ ۱، تهران: انتشارات پیام آزادی.
۳۱. نوروزپور، لیلا (۱۳۹۲)، «حرص و طمع در مثنوی مولوی و مقایسه آن با چهار اثر در حوزه ادبیات تعلیمی»، فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی، شماره ۱۹، ۴۳۱-۴۴۴.
32. Glaser, B. and Stravss, A. (1967), **The Diccovery of the Grounded Theory Strategies for Qvalitative Research**, New York: Aldine.
33. Neuman, Lawrence (1977), **Social Resevch Methods: Qvalitave and Quantitative Approachesd**, 3d, Boston: Aliyn and Bacon.